

تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی

رضادرخشی*

دکتر یونس بادآور نهندی**

دکتر رسول برادران حسن زاده***

چکیده

در سال های اخیر رقابت برای جذب صاحبکار، تنوع ارائه خدمات غیرحسابرسی و نیز پیمان شکنی و عدول از موازین اخلاقی از سوی برخی از اعضای حرفه حسابرسی بر الگوی تعیین حق الزحمه خدمات حسابرسی و اطمینان بخشی سایه انداخته است و برخی از شواهد موجود همچون مطالعات چن و همکاران (۱۹۹۳) و فرانسویس و سایمون (۱۹۸۷) نشان می دهد که علاوه بر حجم کار و اندازه صاحبکار، عوامل دیگری نیز در تعیین حق الزحمه خدمات مزبور موثر می باشد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی در بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. به این منظور با اعمال شرایط پژوهش تعداد ۹۲ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ به عنوان نمونه انتخاب شده اند. روش پژوهش از نوع علی پس از وقوع و روش تجزیه و تحلیل داده ها از نوع همبستگی و رگرسیون می باشد. در پژوهش حاضر متغیرهای مالکیت سرمایه گذاران نهادی، سهام شناور آزاد، تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی به عنوان شاخص های ساختار مالکیت و نیز متغیرهای نسبت بدهی بر دارایی، نسبت بدهی بلندمدت بر دارایی غیر جاری و نرخ هزینه سرمایه به عنوان شاخص های ساختار مالی بکار گرفته شده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و مالکیت سرمایه گذاران نهادی تأثیر منفی بر آن دارد.

کلمات کلیدی: ساختار مالکیت، ساختار مالی، تمرکز مالکیت، مالکیت سرمایه گذاران نهادی، حق الزحمه حسابرسی، مالکیت دولتی

* کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان (نویسنده مسئول).

RezaDerakhshi65@gmail.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه حسابداری، تبریز، ایران
*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، گروه حسابداری، تبریز، ایران

۱- مقدمه

ساليان متمادی است که حسابريسان مستقل خدمات حسابري و اطمینان بخشی خود را در ازای مبالغ معین انجام می دهند، با این حال رسوایی های اخیر باعث شده است که رفتار اقتصادی حسابريسان مورد توجه و نظارت خاص قرار گیرد. این توجه تا جایی بود که محققان را به این نتیجه رساند که در جهت تعیین عوامل موثر بر حق الزحمه حسابري و نیز تعیین الگوی خاص برای مبالغ حق الزحمه باشند. پاسخگویی به عموم، لازمه عملی کردن فرآیند دموکراسی است، اما یکی از ابزارهای اصلی پاسخگویی در عرصه فعالیت های اقتصادی، حسابري و حسابدهی است. در واقع، حسابري و حسابدهی در بعد نظارتی هر سیستمی جای دارد و به شکلی گسترده از بالاترین سطح اداره کشور تا کوچکترین واحد تجاری کاربرد دارد، زیرا هر سیستمی برای تداوم خود به نظارت و بازخورد نیاز دارد.

مزیت عمده تمرکز مالکیت، نظارت بر عملکرد مدیران است، لیکن مالکیت متمرکز در شرکت ها مشکلات کاهش نقدینگی و افزایش ریسک را به همراه دارد، در حالی که توزیع مالکیت، انباشت نقدینگی بیشتر و تخصیص کارآمد منابع را در پی خواهد داشت. در یک اقتصاد بازار کارآمد، مالکیت بسیار متمرکز باعث می شود که حسابري دقیق تر انجام گیرد، در حالیکه در اقتصادهای در حال توسعه که بازارهای ضعیفی دارند ممکن است مالکان چنین انگیزه ای نداشته باشند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که حق الزحمه حسابري رابطه منفی و معناداری با مالکیت نهادی دارد. در واقع سهامداران نهادی ترجیح می دهند که حق الزحمه کمتری بپردازند، همچنین (از لحاظ آماری) حق الزحمه رابطه منفی با مالکیت عمومی دارد (آرفور و دیگران^۱، ۲۰۱۱). در خصوص رابطه سهامداران عمده و نهادی با بازده و ارزش شرکت مطالعات گوناگونی انجام شده و بر حسب شرایط مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نتایج گوناگونی به دست آمده است.

در برخی تحقیقات، دولت از منظر یک سرمایه گذار عمده مورد توجه قرار گرفته و در برخی دیگر نقش مالکیتی دولت فراتر از صرفاً یک سهامدار مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می دهد که وجود سهامداران عمده در ترکیب مالکیت می تواند پیامدهای مثبت و منفی برای شرکت به دنبال داشته باشد. در سال ۱۹۸۲ برای اولین بار درباره مالکیت دولتی پژوهشی انجام شد و نتیجه این بود که بین عدم تمرکز و گستردگی مالکیت با عملکرد شرکت نوعی رابطه منفی وجود دارد. به عقیده آنان هر چه تعداد سهامداران زیادترو درصد مالکیت آنها کمتر باشد عملکرد شرکت ضعیف تر خواهد بود. این نظریه بعدها توسط محققان دیگر به چالش کشیده شد (دیمستز^۲، ۱۹۸۲). اگرچه در جریان تحقیقات حسابري تلاش برای شناسایی عوامل موثر بر حق الزحمه حسابري در نقاط مختلف جهان انجام شده است، لیکن تعداد بسیار کمی از این مطالعات به بررسی اثر ترکیب مالکیت و ساختار مالی بر تمرکز حق الزحمه حسابري پرداخته است (چن و همکاران^۳، ۱۹۹۳).

- 1- Arfur Rahman khan ,et.al
- 2- Demsetz
- 3- chan ,et.al

۲- بیان مساله و اهمیت پژوهش

تعدادی از مطالعات سعی داشتند برای شناسایی عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی اقتصادهای در حال توسعه به این واقعیت اذعان کنند که این کشورها در شرایط محیط نظارتی و تقاضا برای خدمات حسابرسی در مرحله توسعه اقتصادی متفاوتی هستند. این امر می‌تواند پیامدهایی را برای تقاضای خدمات حسابرسی و در نهایت، بر حق الزحمه حسابرسی داشته باشد. با این وجود اثر ساختار مالی و ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی در اقتصادهای در حال توسعه مورد بررسی قرار نگرفته است.

هدف از افشاء حق الزحمه حسابرسی، نقش ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان برای ارزیابی استقلال حسابرس می‌باشد تا از این طریق استقلال حسابرس در واقع یا در ظاهر دچار اختلال نشود. در صورتی که میان ارائه اطلاعات صورت‌های مالی و هزینه سرمایه ارتباط وجود داشته باشد، تأثیر حق الزحمه حسابرسی بر هزینه سرمایه ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم باشد. کارسلو و همکاران^۱ (۲۰۰۲) در پژوهشی عنوان کردند که حق الزحمه حسابرسی بالا محصول حاکمیت شرکتی قوی می‌باشد که علامتی برای اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران مبنی بر قابل اتکا بودن صورت‌های مالی و پایین بودن ریسک می‌باشد. همچنین، اگر حق الزحمه حسابرسی بالا باعث ارتباط اقتصادی میان حسابرس و صاحبکار شود استقلال حسابرس کاهش می‌یابد و این حالت باعث افزایش ریسک اتکا به صورت‌های مالی و نیز افزایش هزینه سرمایه صاحبکار خواهد شد.

در پژوهش‌های قبلی مربوط به تأثیرگذاری عوامل مختلف بر حق الزحمه حسابرسی، تا حدود زیادی بر تأثیرات ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی بی‌توجهی شده است. این پژوهش، شکاف در ادبیات حق الزحمه حسابرسی را با بررسی اثر ساختار مالکیت و ساختار مالی و تأثیرات احتمالی آن بر حق الزحمه حسابرسی بر پایه عرضه و تقاضا، پر می‌کند و بالاخره به توضیح هر چه بیشتر حق الزحمه حسابرسی کمک می‌کند. با جدا شدن مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی، تضاد منافع بالقوه بین سهامداران و مدیران ایجاد شد که این تضاد منافع تحت عنوان «مشکل نمایندگی» بیان می‌شود. یکی از نتایج مشکل نمایندگی این است که بین مدیران و سهامداران شرکت عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد و سهامداران نمی‌توانند اعمال فعالیت‌های مدیران را پیوسته مشاهده کنند. این عدم تقارن اطلاعاتی باعث ایجاد دو مشکل انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی می‌شود. از سویی حسابداری تعهدی، حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا می‌کند، در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشمگیری بر زمان تشخیص برخی از اقلام هزینه مثل هزینه تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه دارند و همچنین مدیران در سیستم حسابداری تعهدی با گزینه‌های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمدها از جمله تشخیص سریعتر درآمد از طریق فروش‌های نسبی نیز روبرو هستند (باقرآبادی، دادبه،

۱۳۹۱). نتایج تحقیقات محققان بنگلادشی در رابطه با تمرکز مالکیت و تاثیر آن بر حق الزحمه حسابرسی در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و قوی با مالکیت نهادی دارد. همچنین آنها بین مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی یک رابطه منفی ضعیف به دست آورند.

بنابراین به نظر می‌رسد که الگوی مالکیت در شرکت های بزرگ ممکن است یک عامل مهم در توزیع حق الزحمه حسابرسی کم باشد (آرفور و دیگران^۱، ۲۰۱۱). به عقیده برخی صاحب نظران، وجود سهامداران عمده در شرکت از یک سو زمینه‌ها و انگیزه های نظارت بر عملکرد مدیران را تقویت می‌کند و از سوی دیگر، گاهی به دلیل عدم انطباق منافع و اهداف سهامداران بزرگ با منافع و انتظارات سهامداران خرد، هزینه های کنترل و همسو کردن خواسته های سهامداران عمده با منافع سایر سهامداران افزایش می‌یابد (دی آنجلو^۲، ۱۹۸۱). در خصوص تأثیرات احتمالی سرمایه گذاران نهادی مالی بر حق الزحمه حسابرسی بحث‌های مختلفی از سوی صاحب نظران صورت گرفته است. هنگامی که مالکان عمده شرکت خود از گروه شرکت‌های سرمایه گذاری باشند مدیران پرتفوی این شرکت‌ها نقش و کیل و سهامدارانشان نقش موکل را دارند.

همزمان با ارزیابی عملکرد شرکت های بورسی توسط مدیران پرتفوی شرکت سرمایه گذاری، عملکرد خود این مدیران نیز از سوی سهامداران شرکت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بازده پرتفوی شرکت سرمایه گذاری نقش تعیین کننده‌ای در تشبیت یا نزول موقعیت شغلی مدیران شرکت خواهد داشت. همچنین هنگامی که سهامدار نهادی از نوع نهادهای مالی باشد با توجه به تجربه، تخصص و توانایی ارزیابی و مدیریتی بالای خود می‌تواند با استفاده از حق رأی بالایی که دارد نظارت بهتر و موثرتری بر مدیریت شرکت سرمایه‌پذیر اعمال کند و انتظار می‌رود حاصل این نظارت ارائه توصیه‌های لازم، افزایش بازده و بهبود عملکرد شرکت سرمایه‌پذیر باشد (های و لینگ^۳، ۲۰۰۸). بحث فوق پیرامون اهمیت ساختار مالکیت و ساختار مالی و تاثیر آنها بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محققان را به سوال اصلی پژوهش رهنمون می‌سازد مبنی بر اینکه آیا ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد؟

- 1- Arfur Rahman khan ,et.al
- 2- DeAngelo
- 3- Hay &ling
- 4- Dan, et.al

۳- پیشینه پژوهش

دن و همکاران^۴ (۲۰۰۶) پژوهشی را با عنوان تاثیر حق الزحمه حسابرسی بر هزینه سرمایه انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که حق الزحمه حسابرسی بالا محصول حاکمیت شرکتی قوی می باشد که علامتی برای اعتباردهندگان و سرمایه گذاران مبنی بر قابل اتکا بودن صورت های مالی و پایین بودن ریسک شرکت می باشد، در این حالت حق الزحمه حسابرسی افزایش می یابد. همچنین، اگر حق الزحمه حسابرسی بالا باعث ارتباط اقتصادی میان حسابرس و مشتری شود استقلال حسابرس کاهش می یابد و این حالت باعث افزایش ریسک اتکا به صورت های مالی و نیز افزایش هزینه سرمایه را در پی خواهد داشت. میترا و دیگران^۱ (۲۰۰۷) پژوهشی را با عنوان بررسی ارتباط میان ویژگی مالکیت و حق الزحمه حسابرسی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که میان مالکیت سرمایه گذاران نهادی و حق الزحمه حسابرسی یک رابطه منفی وجود دارد. آرفور رحمان خان و همکاران^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر

تمرکز مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مالکیت سرمایه گذاران نهادی و مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر منفی دارد. بن علی و همکاران^۳ (۲۰۱۳) پژوهشی را در مورد تاثیر سهامداران بر حق الزحمه حسابرسی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر منفی دارد و همچنین مالکیت سرمایه گذاران نهادی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت دارد. رجبی و همکاران (۱۳۸۷) پژوهشی را در مورد ارتباط هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که بین برخی از عوامل مرتبط با هزینه های نمایندگی شامل مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و میان مالکیت سرمایه گذاران نهادی و مالکیت سهام شناور آزاد بر آن رابطه ای وجود ندارد. علوی طبری و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را در مورد رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که مالکیت نهادی و مالکیت دولتی با حق الزحمه حسابرسی رابطه مستقیم دارد. همچنین نتایج پژوهش آنها بیانگر رابطه مستقیم نوع حسابرس و حق الزحمه حسابرسی می باشد. بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی را در مورد رابطه حق الزحمه حسابرسی و مسائل نمایندگی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که نسبت بدهی بر دارایی و جریان نقد آزاد بر حق الزحمه حسابرسی تاثیری ندارند.

1- Mitra et.al.

2- Arfur Rahman khan ,et.al

3- Chiraz,B.A, et.al

۴- فرضیه های پژوهش

در راستای پاسخ به سوال پژوهش، فرضیه های زیر مطرح و مورد آزمون قرار می گیرد:

- ۱- ساختار مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
 - ۱-۱- میزان تمرکز مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
 - ۲-۱- میزان مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
 - ۳-۱- میزان مالکیت سرمایه گذاران نهادی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
 - ۴-۱- میزان مالکیت سهام شناور آزاد بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
- ۲- ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
 - ۱-۲- نسبت بدهی بر دارایی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
 - ۲-۲- نسبت بدهی بلندمدت بر دارایی غیر جاری بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.
 - ۳-۲- هزینه سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.

۵- جامعه و نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش

به خاطر با اهمیت بودن نقش شرکت های پذیرفته شده در بورس هر کشور، شرکت های فعال در بورس به عنوان جامعه آماری انتخاب گردیده است. در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای نمونه گیری استفاده شده که معیارهای اعمال شده برای انتخاب نمونه به شرح زیر است:

الف) شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۶ در لیست شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

ب) دوره مالی آن منتهی به پایان سال شمسی (۱۳۸۹) باشد.

ج) بیش از ۶ ماه توقف نمادی نداشته باشد.

د) جزء موسسات مالی و اعتباری، سرمایه گذاری و لیزینگ نباشد.

ه) متغیر مربوط به پژوهش به ویژه متغیر حق الزحمه حسابرسی قابل دستیابی و اندازه گیری باشد.

با اعمال محدودیت های فوق، تعداد ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باقی ماند، که تمام آن ها به عنوان نمونه این پژوهش انتخاب گردید. دوره زمانی پژوهش ۷ سال و از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۲ را در بر می گیرد.

۶- روش شناسی پژوهش

از آنجایی که نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سازمان حسابرسی، موسسات حسابرسی، محققان، دانشجویان و شرکت‌ها قرار گیرد از نظر دسته بندی تحقیقات برحسب هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد و از نظر دسته بندی تحقیقات بر حسب روش از نوع علی پس از وقوع می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی و تجزیه و تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود. با استفاده از ضریب تعیین مدل (R^2) میزان تغییرات متغیر وابسته نسبت به تغییرات متغیرهای مستقل و کنترلی اندازه‌گیری خواهد شد و از آماره استیودنت (t) برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و از آماره فیشر (F) برای بررسی کفایت مدل استفاده خواهد شد.

۷- متغیرهای پژوهش

۷-۱- متغیرهای مستقل

۷-۱-۱- تمرکز مالکیت^۱

کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت را تمرکز مالکیت گویند. تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان قابل ملاحظه‌ای از سهام شرکت، به سهامداران عمده (اکثریت) تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد از سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد. در این پژوهش از مدل هرفیندال هیرشمن^۲ به عنوان شاخص اندازه‌گیری میزان تمرکز مالکیت بر اساس تحقیقات آرفور رحمان خان^۳ (۲۰۱۱)، هی^۴ (۲۰۰۸) استفاده شده است و به صورت زیر قابل اندازه‌گیری می‌باشد:

$$CON_i = \sum_{j=1}^n (INOWN_j)^2$$

۷-۱-۲- مالکیت نهادی^۵

طبق بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ایران سرمایه‌گذاران نهادی عبارت است از:

- ۱- بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار،
- ۲- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند،

1- Ownership concentration

۲- این شاخص به منظور سنجش میزان انحصار در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد به این ترتیب که درصد هر یک از عرضه‌کنندگان به توان ۲ رسیده و سپس این اعداد با هم جمع می‌شوند. حاصل عددی بین ۰ تا ۱ است هرچه مقدار این عدد به ۰ نزدیک باشد نشانگر عدم تمرکز و برعکس.

3- Arfur Rahman khan ,et.al

4- Hay

5- Institutional ownership

۳ - سازمان ها و نهادهای دولتی و عمومی و شرکت های دولتی. در این پژوهش نیز بر اساس تعریف تعریف قانون بازار اوراق بهادار ایران، مالکیت سرمایه گذاران نهادی با لحاظ نمودن معیارهای ذکر شده محاسبه گردیده است.

۱-۷-۳- مالکیت دولتی و شبه دولتی^۱

شرکت دولتی شرکتی است که حدود ۵۱ درصد سهام آن متعلق به دولت باشد و مالکیت شبه دولتی عبارت است از سازمان ها یا شرکت هایی که ۵۱ درصد سهام آنها متعلق به سازمان ها یا شرکت هایی است که کارکردی مانند شرکت های دولتی دارند. این متغیر نشان می دهد که میزان مالکیت شرکت مورد بررسی تحت کنترل دولت، نهادها و شرکت های دولتی و شبه دولتی از کل سهام شرکت چند درصد می باشد.

۱-۷-۴- مالکیت سهام شناور آزاد^۲

سهامی که متعلق به سهامداران استراتژیک^۳ نباشد، سهام شناور آزاد محسوب می شود. درصد سهام شناور آزاد هر شرکت بر اساس اطلاعات موجود در ترکیب سهامداران در آخرین مجمع عمومی سالیانه محاسبه می گردد و در طول سال تغییرات ساختار مالکیت آن با اطلاعات جدید تعدیل می شود. اطلاعات مربوط به سهام شناور آزاد از پایگاه اطلاعات سازمان بورس اوراق بهادار تهران استخراج گردیده است.

۱-۷-۵- نسبت بدهی ها بر دارایی ها

منظور از این نسبت همان استفاده از اهرم مالی می باشد؛ یعنی چند درصد از سرمایه شرکت، از محل بدهی ها تشکیل یافته است و از حاصل تقسیم مجموع بدهی بر مجموع دارایی به دست می آید.

۱-۷-۶- نسبت بدهی های بلند مدت بر دارایی های غیر جاری

میزان ظرفیت وام گیری از منابع وام دهندگان بلندمدت را بیان می کند. هر مقدار که این درصد کوچکتر باشد، استفاده از وام برای شرکت آسانتر خواهد بود. این نسبت از حاصل تقسیم مجموع بدهی بلندمدت بر مجموع دارایی غیر جاری به دست می آید.

1- Public ownership

2- Free Float

۳- سهم استراتژیک: سهمی است که با اهداف بلند مدت و اعمال کنترل و یا نفوذ و نه به منظور انتفاع از تغییرات قیمت و یا سود نقدی تحصیل شده باشد.

4- Cost of Capital

5- Gordon

6- Dan, et.al

۷-۱-۷- نرخ هزینه سرمایه^۴

نرخ بازده مورد انتظار از دارایی های واحد تجاری را هزینه سرمایه گویند. در پژوهش حاضر برای اندازه گیری هزینه حقوق صاحبان سهام از مدل الگوی سود تقسیمی رو به رشد (گوردون^۵) به دلیل عینی بودن شواهد آن در ایران بر اساس تحقیقات دن و همکاران^۶ (۲۰۰۶) به صورت زیر استفاده شده است:

$$g = \left(1 - \frac{DPS}{EPS}\right) * ROE \quad DPS_1 = DPS_0(1 + g) \quad K_e = \frac{D_1}{P_0} + g$$

K_e = هزینه حقوق صاحبان سهام D_1 = سود تقسیمی هر سهم سال جاری ROE = بازده حقوق صاحبان سهام

P_0 = قیمت سهام ابتدای دوره DPS_0 = سود تقسیمی هر سهم در سال قبل

g = نرخ رشد سود سهام EPS = سود هر سهم

همچنین برای اندازه گیری هزینه بدهی نیز از مدل زیر استفاده شده است:

$$K_d = \frac{\text{هزینه مالی (بهره)}}{\text{مجموع بدهی های بلند مدت}} \times (1 - t)$$

t = نرخ مالیات

میانگین موزون هزینه سرمایه نیز به صورت زیر محاسبه می شود:

$$wacc = \left(K_d * \frac{D}{V}\right) + \left(\left(K_e * \frac{E}{V}\right) \times (1 - t)\right)$$

K_d = هزینه بدهی

$\frac{D}{V}$ = وزن بدهی از مجموع بدهی و حقوق صاحبان سهام $\frac{E}{V}$ = وزن سرمایه از مجموع بدهی و حقوق صاحبان سهام

۷-۲- متغیر وابسته

۷-۲-۱- حق الزحمه حسابرسی^۱

منافع اقتصادی حسابرسی از طریق حق الزحمه تامین می شود که از انعقاد قرارداد با صاحبکاران عاید می شود. برای بدست آوردن مقدار حق الزحمه حسابرسی از یادداشت های توضیحی همراه صورت های مالی و گزارش عملکرد هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام استفاده شده و از لگاریتم طبیعی آن به عنوان شاخص اندازه گیری حق الزحمه حسابرسی استفاده شده است

۷-۳- متغیرهای کنترلی

ARIN = شاخص کنترل پیچیدگی (مجموع حسابهای دریافتی و موجودی کالا نسبت به مجموع دارایی).

Z = شاخص سلامت مالی، برای اندازه گیری آن از مدل زیمسکی^۱ (۱۹۸۴) به صورت زیر استفاده خواهد شد:

$$Z = 0.014X1 - 0.003X2 - 0.058X3 - 0.062X4 + 0.7416$$

X_۱ = سود انباشته به کل دارایی ها.

X_۲ = بدهی ها و حقوق صاحبان سهام سال قبل تقسیم بر بدهی ها و حقوق صاحبان سهام سال جاری.

X_۳ = نسبت بهره به میانگین حاصل جمع وام ها و بدهی ها و اسناد دریافتی.

X_۴ = نسبت میانگین حاصل جمع حسابهای پرداختی و اسناد پرداختی ضربدر ۱۲ به فروش.

مقدار بالای شاخص Z بیانگر سلامت مالی بالاتر شرکت می باشد.

ROA = بازده دارایی (نسبت سود خالص به کل دارایی).

FINL = اهرم مالی (نسبت کل بدهی به کل دارایی).

LIQ = نقدینگی (نسبت دارایی جاری به بدهی جاری).

MNC = متغیر مجازی، که اگر شرکت دارای شرکت فرعی باشد مقدار آن برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

AUDITOR = متغیر مجازی، که اگر شرکت به وسیله سازمان حسابرسی، رسیدگی شده باشد مقدار آن برابر ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

SIZE = شاخص اندازه صاحبکار (لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها).

۸- مدل پژوهش

از مدل زیر برای آزمون فرضیه های پژوهش استفاده می شود:

$$LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 INST_{it} + \beta_2 ARIN_{it} + \beta_3 Z_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 FINL_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \beta_7 MNC_{it} + \beta_8 AUDITOR_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

۹- تجزیه و تحلیل داده ها

۹-۱- تحلیل توصیفی داده ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است. بر اساس این جدول، میانگین سهم دولت و سرمایه گذاران نهادی از بورس به ترتیب، ۷۳ درصد و ۷۰ درصد می باشد. همچنین میانگین تامین مالی از طریق بدهی ۶۰ درصد، نرخ هزینه سرمایه ۳۷ درصد و بازده دارایی ها ۱۴ درصد می باشد.

(جدول ۱) تحلیل توصیفی داده ها

متغیرها	نماد	تعداد	کوچکترین	بزرگترین	میانگین	انحراف معیار
حق الزحمه حسابداری	LAF	۶۴۴	۲/۹۲۸	۸/۸۹	۵/۹۷	۰/۷۷۶
تمرکز مالکیت	CON	۶۴۴	۰/۰۹۰	۰/۹۷۰	۰/۳۳۳	۰/۲۲۰
مالکیت دولتی	PUB	۶۴۴	۰/۰۰۰	۰/۹۱۰	۰/۷۳۰	۰/۳۵۳
مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INST	۶۴۴	۰/۰۱۰	۰/۹۹۰	۰/۷۰۶	۰/۲۳۴
سهم شناور آزاد	INDUS	۶۴۴	۰/۰۵۰	۰/۹۰۰	۰/۲۵۱	۰/۱۶۱
نسبت بدهی بر دارایی	D/A	۶۴۴	۰/۰۴۰	۰/۹۱۹	۰/۶۰۵	۰/۱۷۱
نسبت بدهی های بلندمدت بر دارایی های غیر جاری	LD/LA	۶۴۴	۰/۰۱۷	۲/۹۰۶	۰/۲۸۷	۰/۳۱۰
نرخ هزینه سرمایه	WACC	۶۴۴	۰/۱۰۲	۱/۸۳	۰/۳۷۶	۰/۲۶۶
پیچیدگی عملیات واحد	ARIN	۶۴۴	۰/۰۱۰	۰/۹۱۸	۰/۳۷۶	۰/۲۶۶
سلامت مالی	Z	۶۴۴	۰/۰۲۱	۰/۷۴۶	۰/۶۸۹	۰/۰۶۳
بازده دارایی ها	ROA	۶۴۴	۰/۰۰۲	۰/۶۳۱	۰/۱۴۰	۰/۱۰۶
نقدینگی	LIQ	۶۴۴	۰/۲۲۳	۹/۱۶۱	۱/۳۲۴	۰/۷۹۳
اندازه شرکت	SIZE	۶۴۴	۹/۸۲	۱۸/۳۹	۱۳/۱۱	۱/۳۰

۹-۲- تحلیل ضرایب همبستگی

ضریب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه برای ۹۲ شرکت طی ۶ سال در جدول شماره ۲ ارائه شده است. بر اساس این جدول، در سطح معنی داری ۹۹ درصد تمرکز مالکیت با حق الزحمه حسابداری ارتباط مثبت دارد. در سطح معنی داری ۹۹ درصد مالکیت دولتی با حق الزحمه حسابداری ارتباط مثبت دارد. در سطح معنی داری ۹۵ درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با حق الزحمه حسابداری ارتباط منفی دارد. در سطح معنی داری ۹۹ درصد نسبت بدهی بر دارایی با حق الزحمه حسابداری ارتباط منفی دارد و در سطح معنی داری ۹۵ درصد نیز نرخ

هزینه سرمایه با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت دارد.

جدول ۲) همبستگی بین متغیره

متغیرها	نماد	LAF	CON	PUB	INST	INDUS	D/A	LD/LA	WACC	ARIN	Z	ROA	LIQ	SIZE
حق الزحمه حسابرسی	LAF	۱												
تمرکز مالکیت	CON	۰/۱۸۵**	۱											
مالکیت دولتی	PUB	۰/۱۷۳**	-۰/۱۶۵**	۱										
مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INST	-۰/۱۰۹*	۰/۱۰۷**	۰/۰۵۹*	۱									
سهام شناور آزاد	INDUS	-۰/۰۴۸	-۰/۶۵۹**	-۰/۰۴۴	-۰/۸۸۵**	۱								
نسبت بدهی بر دارایی	D/A	۰/۱۷۷**	-۰/۰۰۲	-۰/۰۵۸	۰/۰۷۰	-۰/۰۹۴*	۱							
نسبت بدهی بلندمدت بر دارایی غیر جاری	LD/LA	۰/۰۳۳	۰/۰۷۳	-۰/۱۲۹**	۰/۰۵۴	-۰/۰۶۷	۰/۲۴۰**	۱						
هزینه سرمایه	WACC	۰/۰۹۲*	-۰/۱۰۳*	-۰/۰۶۹	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹	۰/۶۵۹**	-۰/۴۳۳**	۱					
پیچیدگی عملیات واحد	ARIN	-۰/۰۵۸	-۰/۰۲۱	-۰/۲۱۵**	۰/۰۷۰	-۰/۰۹۱	۰/۱۶۳**	۰/۱۰۸*	-۰/۳۴۸**	۱				
سلامت مالی	Z	-۰/۱۱۱۰*	۰/۰۸۹*	۰/۰۷۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	-۰/۰۵۲۰**	-۰/۱۳۸**	-۰/۲۵۵**	-۰/۳۴۸**	۱			
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۰۸۹*	۰/۰۶۸	۰/۰۵۶	۰/۰۱۸	-۰/۰۲۱	-۰/۶۸۱**	-۰/۳۵۴**	-۰/۰۹۹*	-۰/۰۴۶	۰/۰۵۰۵*	۱		
نقدینگی	LIQ	-۰/۱۹۳**	۰/۰۹۰*	-۰/۱۶۳**	۰/۰۲۲	-۰/۰۴۴	۰/۶۵۰**	-۰/۰۰۳	-۰/۱۳۳**	۰/۲۶۵**	۰/۱۶۶**	۰/۰۵۰۹**	۱	
اندازه شرکت	SIZE	۰/۲۶۵**	۰/۰۱۵	۰/۰۲۵	-۰/۰۵۳	۰/۱۱۱**	۰/۱۹۹**	-۰/۰۴۹	۰/۰۹۷*	-۰/۳۰۸**	-۰/۰۶۹	-۰/۰۸۹*	-۰/۲۶۵**	۱

** میزان همبستگی با سطح معنی داری ۰/۰۵ درصد *** میزان همبستگی با سطح معنی داری ۰/۰۱ درصد

۹-۳- نتایج آزمون فرضیه ها

۹-۳-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

با توجه به جدول شماره ۳ مقدار آماره F فرضیه اول برابر با (۴۹/۶۵۰) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر معنی داری رگرسیون فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان می دهد که سطح معنی داری تأثیر متغیر تمرکز مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی برابر (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر تأثیر مثبت متغیر تمرکز مالکیت بر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه اول مورد تایید واقع می شود. در سطح متغیرهای کنترلی نیز متغیر سلامت مالی، حسابرس و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارند. همچنین تابع رگرسیون نشان می دهد که متغیر مستقل به همراه متغیرهای کنترلی توان توزیع ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین واتسون فرضیه اول برابر با (۱/۶۴۵) می باشد چون این عدد مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین خطا دارای توزیع نرمال می باشد.

جدول (۳) نتایج آزمون فرضیه اول

مدل رگرسیونی: $LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 con_{it} + \beta_2 ARIN_{it} + \beta_3 Z_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 FINL_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \beta_7 MNC_{it} + \beta_8 AUDITOR_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$				
نام متغیر	نماد	ضریب (B)	آماره t	معنی داری
مقدار ثابت	β	۰/۶۶۲	۱/۲۲۲	۰/۱۸۶
تمرکز مالکیت	CON	۰/۳۱۲	۳/۴۳۱	۰/۰۰۰
پیچیدگی عملیات	ARIN	۰/۱۳۴	۰/۹۸۶	۰/۳۲۴
سلامت مالی	Z	۱/۱۷۴	۲/۴۵۸	۰/۰۱۴
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۱۴۸	-۰/۵۱۰	۰/۶۰۹
اهرم مالی	FINL	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۹۹۹
نقدینگی	LIQ	-۰/۰۲۲	-۰/۶۰۹	۰/۵۴۲
وجود شرکت فرعی	MNC	-۰/۰۱۷	-۰/۲۷۰	۰/۷۸۷
حسابرس	AUDITOR	۰/۴۲۲	۶/۵۶۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	-۰/۳۳۳	۱۳/۹۲۰	۰/۰۰۰
مدل رگرسیون	آماره F	معنی داری	(D-W)	R=
	۴۸/۵۸	۰/۰۰۰	۱/۵۶۵	۰/۴۲۴
				R ² =
				۰/۴۲۵

۹-۳-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

با توجه به جدول شماره ۴ مقدار آماره F فرضیه دوم برابر با (۴۸/۵۸) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر معنی داری رگرسیون فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می دهد که سطح معنی داری تأثیر متغیر مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی برابر (۰/۰۰۴) می باشد. این ضریب بیانگر تأثیر

مثبت متغیر مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه دوم مورد تایید واقع می شود. در سطح متغیرهای کنترلی نیز متغیر سلامت مالی، حسابرس و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارند. همچنین تابع رگرسیون نشان می دهد که متغیر مستقل به همراه متغیرهای کنترلی توان توزیع ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین واتسون فرضیه دوم برابر با (۱/۵۶۵) می باشد چون این عدد مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین خطا دارای توزیع نرمال می باشد.

جدول (۴) نتایج آزمون فرضیه دوم

مدل رگرسیونی: $LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 PUB_{it} + \beta_2 ARIN_{it} + \beta_3 Z_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 FINL_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \beta_7 MNC_{it} + \beta_8 AUDITOR_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \epsilon_{it}$				
نام متغیر	نماد	ضریب (B)	آماره t	معنی داری
مقدار ثابت	β	-/۵۸۳	۱/۱۹۳	-/۲۳۳
مالکیت دولتی	PUB	-/۳۴۶	۱/۹۷۱	-/۰۴۱
پیچیدگی عملیات	ARIN	-/۱۱۸	-/۸۷۱	-/۳۸۳
سلامت مالی	Z	۱/۲۳۸	۲/۶۱۵	-/۰۰۹
بازده دارایی ها	ROA	-/۱۷۰	-/۵۴۸	-/۵۸۳
اهرم مالی	FINL	-/۰۳۰	-/۱۳۰	-/۸۹۶
نقدینگی	LIQ	-/۰۰۳	-/۰۷۹	-/۹۳۶
وجود شرکت فرعی	MNC	-/۰۶۵	-/۱۰۷۸	-/۲۸۱
حسابرس	AUDITOR	-/۴۰۹	۶/۲۵۳	-/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	-/۳۳۱	۱۵/۰۰۶	-/۰۰۰
مدل رگرسیون	آماره F	معنی داری	(D-W)	R=
	۴۸/۵۸	-/۰۰۰	۱/۵۶۵	+/۴۲۴
				R ² =
				+/۴۲۵

۹-۳-۳- نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

با توجه به جدول شماره ۵ مقدار آماره F فرضیه سوم برابر با (۴۸/۱۶) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر معنی داری رگرسیون فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می دهد که سطح معنی داری تأثیر متغیر مالکیت نهادی بر حق الزحمه حسابرسی برابر (۰/۰۰۱) می باشد. این ضریب بیانگر تأثیر منفی متغیر مالکیت نهادی بر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه سوم مورد تایید واقع می شود. در سطح متغیرهای کنترلی نیز متغیر سلامت مالی، حسابرس و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارند. همچنین تابع رگرسیون نشان می دهد که متغیر مستقل به همراه متغیرهای کنترلی توان توزیع ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارد. مقدار آماره دوربین واتسون فرضیه سوم برابر با (۱/۷۵۳) می باشد چون این عدد مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین خطا دارای توزیع نرمال می باشد.

جدول (۵) نتایج آزمون فرضیه سوم

مدل رگرسیونی: $LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 INST_{it} + \beta_2 ARIN_{it} + \beta_3 Z_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 FINL_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \beta_7 MNC_{it} + \beta_8 AUDITOR_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$				
نام متغیر	نماد	ضریب (B)	آماره t	معنی داری
مقدار ثابت	β	۱/۵۷۶	۲/۵۴۹	۰/۰۱۱
مالکیت سرمایه گذاران نهادی	$INST$	-۰/۳۵۰	-۲/۸۵۵	۰/۰۰۱
پیچیدگی عملیات	$ARIN$	۰/۱۰۰	۰/۷۳۸	۰/۴۶۰
سلامت مالی	Z	۱/۲۱۰	۲/۵۱۴	۰/۰۱۲
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۱۶۰	-۰/۵۱۱	۰/۶۰۹
اهرم مالی	$FINL$	۰/۰۰۶	۰/۰۲۸	۰/۹۷۷
نقدینگی	LIQ	-۰/۰۰۹	-۰/۲۶۴	۰/۷۹۱
وجود شرکت فرعی	MNC	-۰/۰۵۷	-۰/۹۵۳	۰/۳۴۰
حسابرس	$AUDITOR$	۰/۴۴۰	۶/۷۳۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	$Size$	۰/۳۲۵	۱۴/۲۳۳	۰/۰۰۰
مدل رگرسیون	آماره F	معنی داری	(D-W)	R=
	۴۸/۱۶	۰/۰۰۰	۱/۷۵۳	۰/۴۲۳

۹-۳-۴- نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم

با توجه به جدول شماره ۶ مقدار آماره F فرضیه چهارم برابر با (۴۸/۹۸) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر معنی داری رگرسیون فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. نتایج آزمون فرضیه چهارم نشان می دهد که سطح معنی داری تاثیر متغیر مالکیت سهام شناور آزاد بر حق الزحمه حسابرسی برابر (۰/۰۶۶) می باشد. این ضریب بیانگر عدم تاثیر متغیر مالکیت سهام شناور آزاد بر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه چهارم مورد تایید واقع نمی شود. در سطح متغیرهای کنترلی نیز متغیر سلامت مالی، حسابرس و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت دارند. همچنین تابع رگرسیون نشان می دهد که متغیر مستقل به همراه متغیرهای کنترلی توان توزیع ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین واتسون فرضیه چهارم برابر با (۱/۶۰۴) می باشد چون این عدد مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین خطا داری توزیع نرمال می باشد.

جدول (۶) نتایج آزمون فرضیه چهارم

مدل رگرسیونی: $LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1INDUS_{it} + \beta_2ARIN_{it} + \beta_3Z_{it} + \beta_4ROA_{it} + \beta_5FINL_{it} + \beta_6LIQ_{it} + \beta_7MNC_{it} + \beta_8AUDITOR_{it} + \beta_9SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$

نام متغیر	نماد	ضریب (B)	آماره t	معنی داری
مقدار ثابت	β	۰/۸۱۸	۱/۵۸۹	۰/۱۱۲
مالکیت سهام شناور آزاد	INDUS	-۰/۳۲۲	-۱/۸۳۶	۰/۰۶۶
پیچیدگی عملیات	ARIN	۰/۱۱۰	-۰/۸۱۶	۰/۴۱۴
سلامت مالی	Z	۱/۲۰۰	۲/۴۷۳	۰/۰۱۳
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۲۰۲	-۰/۶۶۲	۰/۵۰۸
اهرم مالی	FINL	-۰/۰۶۳	-۰/۲۶۷	۰/۷۸۹
نقدینگی	LIQ	-۰/۰۱۵	-۰/۴۰۶	۰/۶۸۴
وجود شرکت فرعی	MNC	-۰/۰۴۶	-۰/۷۶۴	۰/۴۴۵
حسابرسی	AUDITOR	۰/۴۲۴	۶/۵۸۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	۰/۳۲۸	۱۴/۵۷۴	۰/۰۰۰
مدل رگرسیون	آماره F	معنی داری	(D-W)	R=
	۴۸/۹۸	۰/۰۰۰	۱/۶۰۴	۰/۴۲۶
				R ² =
				۰/۴۲۸

۹-۳-۵- نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم

با توجه به جدول شماره ۷ مقدار آماره F فرضیه پنجم برابر با (۵۴/۹۰) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر معنی داری رگرسیون فرضیه پنجم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. نتایج آزمون فرضیه پنجم نشان می دهد که سطح معنی داری تأثیر نسبت بدهی بر دارایی بر حق الزحمه حسابرسی برابر (۰/۸۸۲) می باشد. این ضریب بیانگر عدم تأثیر متغیر نسبت بدهی بر دارایی بر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه پنجم مورد تایید واقع نمی شود. در سطح متغیرهای کنترلی نیز متغیر سلامت مالی، حسابرس و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارند. همچنین تابع رگرسیون نشان می دهد که متغیر مستقل به همراه متغیرهای کنترلی توان توزیع ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین واتسون فرضیه پنجم برابر با (۱/۶۰۴) می باشد چون این عدد مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین خطا دارای توزیع نرمال می باشد.

جدول (۷) نتایج آزمون فرضیه پنجم

مدل رگرسیونی: $LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 D/A_{it} + \beta_2 ARIN_{it} + \beta_3 Z_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 LIQ_{it} + \beta_6 MNC_{it} + \beta_7 AUDITOR_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \epsilon_{it}$				
نام متغیر	نماد	ضریب (B)	آماره t	معنی داری
مقدار ثابت	β	-۰/۵۷۹	۱/۱۴۲	-۰/۲۵۳
نسبت بدهی بر دارایی	D/A	-۰/۰۳۵	-۰/۱۴۸	-۰/۸۸۲
پیچیدگی عملیات	ARIN	-۰/۱۰۶	-۰/۷۷۳	-۰/۴۳۹
سلامت مالی	Z	۱/۲۱۰	۲/۴۹۸	-۰/۰۱۲
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۱۴۳	-۰/۴۶۵	-۰/۶۴۱
نقدینگی	LIQ	-۰/۰۰۶	-۰/۱۵۲	-۰/۸۷۸
وجود شرکت فرعی	MNC	-۰/۰۴۸	-۰/۸۱۱	-۰/۴۱۷
حسابرس	AUDITOR	-۰/۴۴۹	۷/۰۲۷	-۰/۰۰۰
اندازه شرکت	size	-۰/۳۳۳	۱۴/۴۸۲	-۰/۰۰۰
مدل رگرسیون		آماره F	معنی داری (D-W)	R = ۰/۴۴۰
		۵۴/۹۰	۱/۶۰۴	R ² = ۰/۴۳۲

۹-۳-۶- نتایج حاصل از آزمون فرضیه ششم

با توجه به جدول شماره ۸ مقدار آماره F فرضیه ششم برابر با (۴۸/۲۹) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر معنی داری رگرسیون فرضیه ششم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. نتایج آزمون فرضیه ششم نشان می دهد که سطح معنی داری تأثیر نسبت بدهی ها بلند مدت بر دارایی ها بلند مدت بر حق الزحمه حسابرسی برابر (۰/۴۴۸) می باشد. این ضریب بیانگر عدم تأثیر نسبت بدهی ها بلند مدت بر دارایی ها بلند مدت بر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه ششم مورد تایید واقع نمی شود. در سطح متغیرهای کنترلی نیز متغیر سلامت مالی، حسابرس و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارند. همچنین تابع رگرسیون نشان می دهد که متغیر مستقل به همراه متغیرهای کنترلی توان توزیع ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین و واتسون فرضیه ششم برابر با (۱/۶۵۱) می باشد چون این عدد مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین خطا دارای توزیع نرمال می باشد.

جدول (۸) نتایج آزمون فرضیه ششم

مدل رگرسیونی: $LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 LD/LA_{it} + \beta_2 ARIN_{it} + \beta_3 Z_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 FINL_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \beta_7 MNC_{it} + \beta_8 AUDITOR_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \epsilon_{it}$				
نام متغیر	نماد	ضریب (B)	آماره t	معنی داری
مقدار ثابت	β	-۰/۷۰۶	۱/۴۰۰	-۰/۱۶۱
نسبت بدهی بلندمدت بر دارایی غیر جاری	LD/LA	-۰/۰۶۴	-۰/۷۵۹	-۰/۴۴۸
پیچیدگی عملیات	ARIN	-۰/۰۹۴	-۰/۶۹۱	-۰/۴۸۹
سلامت مالی	Z	۱/۲۰۱	۲/۴۷۷	-۰/۰۱۳
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۱۱۹	-۰/۳۸۷	-۰/۶۹۸
اهرم مالی	FINL	-۰/۰۱۲	-۰/۰۵۱	-۰/۹۵۶
نقدینگی	LIQ	-۰/۰۱۵	-۰/۳۹۷	-۰/۶۹۰
وجود شرکت فرعی	MNC	-۰/۰۵۷	-۰/۹۵۶	-۰/۳۳۹
حسابرس	AUDITOR	-۰/۴۴۸	۷/۱۵۳	-۰/۰۰۰
اندازه شرکت	size	-۰/۳۳۶	۱۴/۱۵۸	-۰/۰۰۰
مدل رگرسیون		آماره F	معنی داری (D-W)	R = ۰/۴۳۳
		۴۸/۲۹	۱/۶۵۱	R ² = ۰/۴۲۴

۹-۳-۷- نتایج حاصل از آزمون فرضیه هفتم

با توجه به جدول شماره ۹ مقدار آماره F فرضیه هفتم برابر با (۴۸/۲۱) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد. این ضریب بیانگر معنی داری رگرسیون فرضیه هفتم در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. نتایج آزمون فرضیه هفتم نشان می دهد که سطح معنی داری تأثیر نرخ هزینه سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی برابر (۰/۳۷۳) می باشد. این ضریب بیانگر عدم تأثیر نرخ هزینه سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه هفتم مورد تایید واقع نمی شود. در سطح متغیرهای کنترلی نیز متغیر سلامت مالی، حسابرِس و اندازه شرکت بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارند. همچنین تابع رگرسیون نشان می دهد که متغیر مستقل به همراه متغیرهای کنترلی توان توزیع ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند. مقدار آماره دوربین واتسون فرضیه هفتم برابر با (۱/۵۹۲) می باشد چون این عدد مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین خطا دارای توزیع نرمال می باشد.

جدول (۹) نتایج آزمون فرضیه هفتم

مدل رگرسیونی: $LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 WACC_{it} + \beta_2 ARIN_{it} + \beta_3 Z_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 FINL_{it} + \beta_6 LIQ_{it} + \beta_7 MNC_{it} + \beta_8 AUDITOR_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$				
نام متغیر	نماد	ضریب (B)	آماره t	معنی داری
مقدار ثابت	β	۰/۷۰۶	۱/۵۲۲	۰/۱۲۸
نرخ هزینه سرمایه	WACC	۰/۰۶۴	۰/۸۹۱	۰/۳۷۳
پیچیدگی عملیات	ARIN	۰/۰۹۴	۰/۳۴۳	۰/۷۲۱
سلامت مالی	Z	۱/۲۰۱	۲/۴۰۳	۰/۰۱۶
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۱۱۹	-۰/۴۷۷	۰/۶۳۳
اهرم مالی	FINL	-۰/۰۱۲	-۰/۰۳۴	۰/۹۷۲
نقدینگی	LIQ	-۰/۰۱۵	-۰/۱۶۴	۰/۸۶۹
وجود شرکت فرعی	MNC	-۰/۰۵۷	-۱/۱۱۳	۰/۲۶۵
حسابرِس	AUDITOR	۰/۴۴۸	۷/۰۶۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	size	۰/۳۲۶	۱۴/۰۱۷	۰/۰۰۰
مدل رگرسیون	آماره F	معنی داری	(D-W)	R= ۰/۴۳۳
	۴۸/۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۹۲	R ² = ۰/۴۲۴

۱۰. بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شده است که اثر ابعاد مختلف ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق الزحمه حسابرسی مورد مطالعه قرار گیرد. بر اساس نتایج پژوهش، تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و مالکیت سرمایه گذاران نهادی تأثیر منفی بر آن دارد. نتیجه این فرضیه با یافته های رحمان خان و همکاران (۲۰۱۱)، میترا و همکاران (۲۰۰۷) موافق و با یافته بن علی و همکاران (۲۰۱۳) مخالف می باشد. در سطح

تحقیقات داخلی نیز فرضیه فوق مخالف با یافته‌های علوی طبری و همکاران (۱۳۹۰) می‌باشد و موافق با یافته‌های بادآورنهندی (۱۳۹۲) می‌باشد. زمانی که الگوی مالکیت شرکت به صورت متمرکز است، بخش عمده مالکیت در اختیار عده محدودی قرار دارد. مالکان که این موضوع در بسیاری از موارد موجب نادیده گرفتن حقوق سهامداران اقلیت از جانب سهامداران اکثریت و نیز رواج پنهان کاری در تصمیمات مالی و عدم شفافیت در پاسخگویی می‌گردد. این امر از دو جنبه می‌تواند حق الزحمه بالا برای حسابرسی را به دنبال داشته باشد. از یک سو وجود تحریف در حساب‌ها و یا پدیده مدیریت سود و نیز عدم شفافیت در پاسخگویی ممکن است افزایش حجم عملیات حسابرسی را در پی داشته باشد و از سوی دیگر مصالحه میان صاحبکار و برخی از حساب‌رسان در مورد گزارش یافته‌های حسابرسی در خصوص اقدامات غیرقانونی صاحبکار نیز گاهی اوقات ممکن است به بالا رفتن مبلغ حق الزحمه حسابرسی منجر شود سرمایه‌گذاران نهادی از آگاهی و توان نظارتی بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران فردی بر شرکت برخوردار هستند و این نظارت موجب کاهش هرچه بیشتر مشکلات نمایندگی شده و با کاهش حجم عملیات حسابرسی موجبات کاهش حق الزحمه حسابرسی را فراهم می‌آورد و به همین علت، مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی از ارکان مهم نظام راهبری شرکت‌ها محسوب می‌شود.

بر اساس نتایج پژوهش مالکیت دولتی، بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارد. این نتیجه بیانگر آن است که در شرکت‌های بزرگ به جهت اینکه این شرکت‌ها به علت داشتن دارایی‌ها و حجم معاملات زیادی که حالت انحصاری دارند، و نیز چون متعلق به سهامداران عمومی (دولت) هستند، بسیار در معرض دید می‌باشند. از لحاظ مبانی نظری باید در این گونه شرکت‌ها به علت وجود منافع سهامداران دولتی، باید حق الزحمه بالاتر باشد. مالکیت سهام‌شناور آزاد نیز بر حق الزحمه حسابرسی بی‌تأثیر می‌باشد و این بیانگر عدم نقش سهامداران اقلیت در سیاست‌های کنترلی شرکت و عدم رعایت سازوکارهای راهبری شرکت از این جنبه می‌باشد. ابعاد مختلف ساختار مالی شامل نسبت بدهی به دارایی، نسبت بدهی بلندمدت به دارایی غیرجاری و نرخ هزینه سرمایه نیز بر حق الزحمه حسابرسی بی‌تأثیر می‌باشد. انتخاب مناسب ساختار مالی در حداکثر سازی ارزش شرکت تأثیر بسزایی دارد. بالا رفتن سهم بدهی‌ها از حد مطلوب موجب افزایش ریسک مالی به هزینه سرمایه می‌شود و این امر به نوبه خود با افزایش هزینه‌های نمایندگی و افزایش حجم کار حسابرسی و بالاخره بالا رفتن حق الزحمه حسابرسی همراه خواهد بود. با این حال طبق یافته‌های این پژوهش، حق الزحمه حسابرسی از ساختار مالی هیچ تأثیری نمی‌پذیرد و شاید علت این امر، عدم افزایش تقاضا برای خدمات اعتبار بخشی از جانب تأمین‌کنندگان منابع مالی در شرایط بحران مالی می‌باشد.

با توجه به اثر مثبت تمرکز مالکیت بر حق الزحمه حسابداری، به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایر مراجع ذیربط پیشنهاد می شود در اجرای مکانیزم های نظام راهبری شرکت ها بر عدم تمرکز مالکیت شرکت ها نظارت لازم را مبذول نمایند. همچنین با توجه به اثر منفی مالکیت سرمایه گذاران نهادی بر حق الزحمه حسابداری، به سرمایه گذاران و سایر گروه های ذینفع پیشنهاد می شود در تصمیمات سرمایه گذاری و تامین مالی شرکت ها به مالکیت سرمایه گذاران نهادی به عنوان ناظران آگاه بر فعالیت های مدیریت، توجه نمایند. به علاوه، به خاطر تاثیر پذیری مثبت حق الزحمه حسابداری از مالکیت دولتی به سرمایه گذاران و بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می شود در مرحله اول نسبت به کارسازی و اجرای مقررات مربوط به اصل ۴۴ (واگذاری شرکت های به بخش خصوصی) اقدام شود، و در مرحله بعد، نسبت به بازدهی و اثربخشی این گونه شرکت ها با توجه به انحصاری بودن فعالیت این شرکت ها، توجه و مقرراتی تعیین و مورد اجرا قرار گیرد.

منابع

- ۱- بادآورنهندی، یونس، برادران حسن زاده، رسول، نظیری، عذرا (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط میان حق الزحمه حسابداری و مسائل نمایندگی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تبریز ۱۳۹۲.
- ۲- رجبی، روح اله، محمدی خشوئی، حمزه (۱۳۸۷)، هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابداری مستقل، نشریه بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۱۵، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۸۷.
- ۳- علوی طبری حسین و همکاران (۱۳۹۰)، رابطه نظام راهبردی و حق الزحمه حسابداری مستقل شرکت ها، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۰، صص ۷۵-۱۰۱.
- ۴- سید محمد باقرآبادی، فاطمه دادبه (۱۳۹۱) روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۷۵۰ به تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۱، صفحه ۹ (بورس)
- ۵- نیک بخت، محمد رضا، محسن، تنانی (۱۳۸۹)، آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابداری صورت های مالی، نشریه پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- ۶- نیک بخت، محمد رضا، مهربانی، حسین (۱۳۸۵)، بررسی اثر خدمات و میزان حق الزحمه های غیرحسابداری موسسات حسابداری بر استقلال حسابرس، نشریه بررسیهای حسابداری و حسابداری، شماره ۴۴ تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۲۹-۱۴۷.
- 1- Arifur Rahman Khan, Dewan Mahboob Hossain, Javed Siddiqui, (2011), "Corporate ownership concentration and audit fees (The case of an emerging economy)". Journal of Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting 27 p 125-131.
- 2- Chiraz,B.A, Cedric.l (2013). "Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France: China" Journal of Accounting Research 6 (2013) 21-34.
- 3- DeAngelo, L. E. (1981). "Auditor Size and Audit Quality", Journal of Accounting and Economics, Vol. 3, No. 3, 183-199.

- 4- Demsets, Harold (1983), "the structure of ownership and the theory of the firm". Journal of low and Economics 26: 375-393.
- 5- Gordon, M.J., (1982)." The Investment , Financing and Valuation of the Corporation". Greenwood Press Print.
- 6- hay,D.,KNECHEL, R. and LING, H. (2008). "Evidence on the Impact of Internal Control and Corporate Governance on Audit Fees". International Journal of Auditing, Vol. 12, No. 1, pp. 9-24, March 2008.
- 7-Carcello, Joseph, Dana Hermanson, Terry Neal, and Richard Riley Jr. (2002). "Board Characteristics and Audit Fees." Contemporary Accounting Research 19 (3): 365-384.
- 8-Chan, P., Ezzamel, M., & Gwilliam, D. (1993). "Determinants of audit fees for quoted UK companies". Journal of Business Finance and Accounting, 20(6), 765-786.
- 9-Dhaliwal, Dan S. and Gleason, Cristi A. and Heitzman, Shane and Melendrez, Kevin)2006), "Auditor Fees and Cost of capital". Journal of Accounting, Auditing & Finance, Vol. 23 Issue 1, p1
- 10-Mitra, S., Hossain, M., & Deis, D. R. (2007). "The empirical relationship between ownership characteristics and audit fees". Review of Quantitative Finance and Accounting, 28(3), 257-285. Models", Journal of Accounting Research Vol 22 supplement.
- 11-Zmijewski Mark.E. (1984). "Method logical Issues Relate to the Estimation of Financial Distress prediction.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی